

یادداشت

سپر دفاعی آشیل تشدید رقابت با ترکیه یا نگرانی از ایران

دیپلمات پیشین و تحلیلگر اموربین الملل

یونان و اسرائیل سرانجام در ۳۱ آگوست توافق نامه‌ای برای توسعه سامانه یکپارچه پدافند ضدهوایی، ضدبالستیک و ضدپهپاد در چارچوب پروژه «سپر آشیل»، در تل آویو به امضا رساندند. ارزش کل این قرارداد سه میلیارد و ۳۵ میلیون یورو اعلام شد. این قرارداد شامل تأمین سامانه‌های Spyder AIO و David's Sling ساخت شرکت Rafael، سامانه Barak MX ساخت شرکت صنایع هوافضای اسرائیل (IAI) است. بسته «سپر آشیل» همچنین رادارهای شرکت ELTA (بزمجموعه IAI) و یک سیستم یکپارچه فرماندهی و کنترل (Command and Control) است که یونان مالکیت آن را در اختیار خواهد داشت. ۱۹ شرکت یونانی در فرایند اجرای این پروژه مشارکت دارند که سهم آنها در بودجه بیش از ۲۵ درصد خواهد بود و به ۷۵۰ میلیون یورو می‌رسد. در چارچوب این قرارداد، ایجاد پایه تولیدی در یونان با چشم‌انداز صادرات این سامانه‌ها و انتقال فناوری نیز پیش‌بینی شده است. هم‌زمان، یک توافق‌نامه مکمل به ارزش ۲۶ میلیون یورو نیز در وزارت دفاع اسرائیل برای تأمین سامانه‌های ضدپهپاد و ارتقای سامانه‌های موجود که عمدتاً در شرق دریای اژه مستقر هستند، به امضا رسید. این سامانه‌ها به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که با انواع موشک‌ها، رادارها و مراکز فرماندهی قابل همکاری باشند. یونان می‌تواند این سامانه‌های جدید را در «کنبد» خود ادغام کند؛ چراکه آنها برای عملکرد در محیط شبکه‌محور طراحی شده‌اند. الحاق آنها موجب تقویت توانمندی‌های ضدهوایی و ضدموشکی یونان خواهد شد. گروهی از تحلیلگران بین‌المللی مدعی هستند که این قرارداد، یک سامانه پدافند هوایی چندلایه را در اختیار آتن قرار خواهد داد تا در برابر تهدیدات احتمالی از سوی ترکیه و ایران آن کشور دفاع کند. آتن بارها نگرانی‌های خود را از پیامدهای تنش بین ایران و آمریکا که ممکن است به سایت‌های آمریکا و متحدانش در اروپا گسترش یابد، ابراز کرده است. یونان اخیراً سامانه‌های دفاع هوایی پاتریوت خود را از جزیره «کارائوس» به جزیره «کرت» این کشور منتقل کرد؛ اقدامی که در بحبوحه تنش‌های ایران و آمریکا انجام شد. این سامانه‌ها یکی از برجسته‌ترین سامانه‌های دفاع هوایی است که برای رهگیری موشک‌ها و هواپیماها استفاده می‌شود و برای محافظت از سایت‌های استراتژیک و نظامی در برابر تهدیدات هوایی مستقر می‌شود. اسرائیل در سال‌های اخیر با برجسته‌کردن تهدیدهای منطقه‌ای و معرفی ترکیه و ایران به‌عنوان یکی از تهدیدهای اصلی، هم‌زمان در حال گسترش همکاری‌های نظامی و فروش تسلیحات خود به کشورهای مختلف جهان است. دنیاس، وزیر دفاع یونان، تأکید دارد که پروژه «سپر آشیل» بخش عمده برنامه اصلاحی «دستور کار ۲۰۳۰» است و یونان نخستین عضو اتحادیه اروپاست که سامانه پدافند یکپارچه از این دست را توسعه می‌دهد. درگیری‌های مدرن، پارامترهای دفاع نظامی و بازدارندگی را دگرگون کرده و فناوری، موشک‌های بالستیک، ارتباطات ماهواره‌ای، سامانه‌های بدون سرنشین و تهدیدات سایبری که اشکال جنگ‌های ترکیبی است، دکترین دفاعی پیشین را کاملاً منسوخ کرده‌اند. یونان نخستین کشور اتحادیه اروپاست که چنین سیستمی را انتخاب کرده است. به اعتقاد او، این توافق «ممکن است که یونان را وارد واقعیتی جدید می‌کند. بدیهی است که حق دفاع مشروع هر کشوری در برابر تهدیدهای احتمالی محفوظ است و در شرایطی که حملات موشکی، هواپیماهای جنگی و تهدید فزاینده پهپادها وجود دارد، راهبردی پیشگیرانه می‌تواند نقشی حیاتی داشته باشند. «دستور کار ۲۰۳۰» و پروژه «سپیر آشیل» نخستین تلاش جامع اروپایی برای مقابله با تمام این تهدیدهاست. یونان در خاک اروپا پایگاه و ظرفیت تولیدی متنوعی را برای مقابله با این تهدیدات نوین ایجاد می‌کند. همان‌طور که انتظار می‌رفت، کنورگیادیس، وزیر افراطی و راست‌گرای بهادش یونان، طی سخنانی در پارلمان، از توافق‌نامه دفاعی یونان و اسرائیل حمایت کرد و مدعی شد «اتلاف با اسرائیل، آزادی کشور یونان را تضمین می‌کند. آزادی دولت یونان در برابر تهدید ترکیه یا هر تهدید دیگری، موضوعی بسیار مهم است و مردم یونان اتلاف با اسرائیل را بسیار مهم می‌دانند». نخست‌وزیر اسرائیل که این قرارداد را «یکی از مهم‌ترین قراردادهای دفاعی در تاریخ اسرائیل» می‌داند، مدعی شد «این توافق در چارچوب ادامهٔ ائتلافی است که ۱۰ سال پیش با یونان و قبرس و شرق مدیترانه ایجاد شد. این توافق نشانه قدرت اسرائیل، اعتماد به صادرات دفاعی ما و تقویت ائتلاف‌های منطقه‌ای ماست». از دیدگاه وزیر دفاع اسرائیل، این رژیم و یونان منافع راهبردی مشترکی دارند و به چالش‌های منطقه‌ای مشترکی روبه‌رو هستند. اسرائیل و یونان به تقویت همکاری دفاعی و راهبردی خود ادامه خواهند داد.

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید

وقتی کیک اقتصاد کوچک می شود

خروج از چنین شرایط و وضعیتی علاوه بر تفاهم، توافق، صلح و آشتی در خارج، نیازمند اصلاح قواعد بازی اقتصاد، بهبود کیفیت حکمرانی و ایجاد فضای رقابتی است. اما تنها یک حلقه از حلقه‌های دیگر بزرگ‌شدن این کیک فراهم شود. مجموعه‌ای که جز با ایجاد اعتماد و اطمینان جامعه به سیاست‌گذاران و مجریان و همکاری نظام حکمرانی با نهادهای مدنی و تشکل‌های اقتصادی و سیاسی فراهم نمی‌شود.

تصویب و اجرائی‌شدن قانون «تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار» اگرچه گامی رو به جلو و یکی از ارکان بهبود محیط کسب‌وکار و مقابله با انحصارها و محدودیت‌ها و ایجاد فضای رقابتی است، اما تنها یک حلقه از حلقه‌های دیگر زنجیره توسعه اقتصادی است. حلقه‌ای که در فقدان حلقه‌های دیگری که به افزایش تولید محصولات و خدمات و درآمدهای خانوارها و ارتقای تولید ناخالص داخلی بینجامد (رکود و کاهش انواع معاملات، کاهش ساخت‌وساز مسکن، کاهش تولید و واردات خودرو و...) صرفاً سبب رقابت ناسالم ماهی‌های بسیار در حوضی کوچک می‌شود که برای ارتزاق با یکدیگر می‌ستیزند و به‌جسای یکدیگر را شکار می‌کنند. که این نه‌فقط چرخه حیات اجتماعی را متلاطم نمی‌بخشد، بلکه به تنازع بقا و تضعیف معیشت اقتصادی و اخلاق اجتماعی می‌انجامد.

وقف بدون زنان روایتی ناقص است

هفته وقف می‌تواند فرصتی برای بازخوانی همین مسئله باشد؛ وقف اگر قرار است سرمایه اجتماعی امروز و فردای این باشد، باید زنان را نه فقط به‌عنوان واقف، بلکه به‌عنوان شریک تصمیم‌گیری و مدیریت این سرمایه به رسمیت بشناسد.

مسئله، صرفاً بزرگداشت زنان نیکوکار نیست؛ مسئله، دیده‌شدن، اعتمادکردن و میدان‌دادن به آنان در ساختن آینده جامعه است.

✉ مار دکتر محمد مصدق، نخست‌وزیر ایران در دوره پهلوی دوم

«شرق» الگوی تکرار شونده شایعه، تکذیب و اعلام اخبار رسمی را در یک سال گذشته بررسی می‌کند

تقویم اطلاع‌رسانی معکوس

زهره فراهانی؛ ماجرا معمولاً با یک جمله شروع می‌شود. یک نماینده مجلس از تصمیمی می‌گوید که هنوز دولت آن را اعلام نکرده است. یک کانال خبری از استعفای یک وزیر خبر می‌دهد. نام یک نفر به‌عنوان جانشین یک مقام بلندپایه می‌چرخد. یک چهره سیاسی درباره ایران با کشوری دیگر حرفی می‌زند، همهمه جامعه را فرا می‌گیرد. بعد از این اخبار و گمانه‌زنی‌ها، چند ساعت یا چند روز همه منتظر می‌مانند. در این فاصله اما خبر منتظر نمی‌ماند؛ از کانال‌های تلگرامی به شبکه ایکس می‌رود، تحلیل می‌شود، روایت‌های تازه‌ای به آن اضافه می‌شود، «منابع آگاه» وارد میدان می‌شوند و همان خبری که هنوز معلوم نیست چه اندازه از آن واقعیت دارد، آرام آرام به یک گزاره پذیرفته‌شده تبدیل می‌شود. بعد تازه روایت رسمی می‌رسد: «تکذیب می‌شود»، «صحت ندارد»، «هنوز تصمیمی گرفته نشده»، «موضوع در دست بررسی است» یا گاهی درست در نقطه مقابل، اعلام رسمی همان اتفاقی که چند روز قبل شایعه خوانده می‌شد، رخ می‌دهد. این دیگر قصه یک خبر یا یک دولت نیست؛ آن‌در تکرار شده که شبیه یک سریال آشناست؛ اول خبر غیررسمی، بعد همهمه، بعد تکذیب یا سکوت و در نهایت روایت رسمی. مشکل البته این نیست که هر خبری که زودتر منتشر می‌شود، درست است. بسیاری از شایعات واقعاً دروغ هستند و بسیاری از تکذیب‌ها نیز کاملاً درست. مسئله جای دیگری است؛ در فاصله میان انتشار خبر اولیه و رسیدن توضیح معتبر، چه کسی ذهن مخاطب را در اختیار گرفته است؟ و مهم‌تر از آن، وقتی این چرخه چند بار تکرار شود، تکذیب رسمی بعدی چقدر اعتبار خواهد داشت؟

بنزین: خبری که زودتر از مرجع رسمی حرکت می‌کند

بنزین شاید روشن‌ترین نمونه باشد. کالایی که یک جمله درباره قیمت آن، می‌تواند طرف چند ساعت زندگی روزمره مردم را تحت تأثیر قرار دهد؛ از نگرانی خانوارها تا صف جایگاه‌ها و انتظارات توریمی. در ماه‌های گذشته، پیش از آنکه تصمیم نهایی دولت اعلام شود، بارها نمایندگان مجلس، اعضای دولت، کارشناسان و چهره‌های مختلف درباره شیوه‌های تازه توزیع، نرخ‌های متفاوت، سهمیه‌ب یا کدملی و احتمال تغییر قیمت صحبت کردند. سوم شهریور، فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، اعلام کرد هنوز تصمیمی برای افزایش قیمت بنزین گرفته نشده و سهمیه‌های هزارو ۵۰۰ تومانی و سه هزار تومانی حفظ خواهد شد. چند روز بعد، در جلسه‌ای به ریاست رئیس‌جمهور، دولت تصمیم گرفت اساساً مرجع سخن گفتن درباره بنزین را محدود کند. حمید پورمحمدی اعلام کرد فقط سخنگوی دولت درباره سیاست بنزینی و نرخ اسرت کل ملی پالایش و پخش درباره ابعاد فنی آن صحبت خواهند کرد و اظهارات خارج از مجلس، بدون تأیید موضع دولت تلقی شود. همین تصمیم خودش حامل یک پیام بود؛ اینکه حجم اظهار نظرها به جایی رسیده بود که دولت لازم دیده مشخص کند اصولاً حرف چه کسی را باید جدی گرفت.

دو روز بعد، ۱۵ شهریور، سخنگوی دولت اعلام کرد نرخ بنزین با کارت جایگاه از ۱۷ شهریور ۱۰ هزار تومان افزایش پیدا می‌کند؛ در حالی که دو سهمیه هزار و ۵۰۰ تومانی و سه هزار تومانی بدون تغییر باقی می‌ماند. از نظر حقوقی ممکن است میان این دو موضع تناقضی وجود نداشته باشد. ممکن است سوم شهریور هنوز تصمیم نهایی گرفته نشده و در روزهای بعد تصمیم تازه‌ای اتخاذ شده باشد. اتفاقاً همین نکته اصل مسئله است. مخاطب عادی صورت جلسات دولت و ساعت دقیق تصمیم‌گیری را نمی‌بیند. آنچه می‌بیند، یک توالی خبری است؛ «تصمیمی گرفته نشده»، بعد «فقط این او نفر حق دارند درباره بنزین حرف بزنند» و بعد «نرخ کارت جایگاه ۱۰ هزار تومان شد». اگر بین «این موضوع اصلاً مطرح نیست»، «در حال بررسی است اما تصمیمی گرفته نشده» و «تصمیم نهایی شده» تفاوت وجود دارد، همین تفاوت برای مردم هم روشن باشد؛ و در حاشیه این دو نقطه می‌ماند ساده‌تر است؛ اول تکذیب کردن، بعد اجرا شد. همین برداشت، حتی اگر از نظر اداری دقیق نباشد، برای اعتبار تکذیب بعدی هزینه ایجاد می‌کند.

استعفا؛ شایعه‌ای که هیچ وقت کاملاً نمی‌مرد

استعفا در یک سال اخیر از پرتکرارترین سوزه‌های این چرخه بوده است. از رئیس‌جمهور تا وزیر را هر چند وقت یک بار خبری از کنارگیری یک مقام منتشر شده، چند ساعت یا چند روز در فضای عمومی چرخیده و بعد تکذیب شده است. دهم خرداد خبر استعفای مسعود پزشکیان منتشر شد و منابع نزدیک به دولت آن را رد کردند. مدتی بعد دوباره روایت‌هایی درباره استعفای رئیس‌جمهور شکل گرفت؛ تا جایی که خود پزشکیان نیز ناچار شد به موضوع واکنش نشان دهد و تأکید کند اگر زمانی تصمیم به استعفا داشته باشد، خودش آن را اعلام خواهد کرد. اما نمونه تازه‌تر شاید از این هم گویاتر باشد؛ وزارت نفت، یکشنبه ۱۵ شهریور، بار دیگر خبری مبنی بر استعفای محسن پاک‌نژاد و موافقت رئیس‌جمهور با آن در برخی کانال‌ها و رسانه‌ها منتشر شد. سامان قدوسی، سخنگوی وزارت نفت، در واکنش اعلام کرد پاک‌نژاد همچنان «با قدرت» در حال پیگیری امور وزارتخانه است و تا پایان پای کل دولت خواهد بود. این نخستین بار نبود که موضوع استعفای وزیر نفت مطرح می‌شد. همین تکرار، مستقل از اینکه منشأ خبر کجاست و واقعیت پشت آن چیست، یک سؤال ایجاد می‌کند: «چرا خبری که یک بار تکذیب شده، چند هفته بعد دوباره می‌تواند با همان قدرت برگردد و مخاطب باز هم احتمال دهد این بار شاید درست باشد؟» مشکل فقط شایعه‌ساز نیست، شایعه همیشه وجود داشته و در دوره شبکه‌های اجتماعی بیشتر هم خواهد شد. پرسش اینجاست که چرا برخی شایعات بستری آماده برای پذیرفته‌شدن پیدا می‌کنند؟ اگر مرجع رسمی از اعتماد کافی برخوردار باشد، یک تکذیب روشن باید پرونده را تا حد زیادی ببندد. وقتی همان خبر دوباره و دوباره برمی‌گردد، مسئله از صحت یک خبر فراتر رفته و به اعتبار منبع رسمی رسیده است.

شعاع: خبرهایی که جلوتر از حکم رسمی حرکت کردند

تغییر دبیر شورای عالی امنیت ملی نمونه دیگری از همین مسئله بود؛ این بار نه درباره قیمت یک کالا یا یک وزیر، بلکه درباره یکی از حساس‌ترین نهادهای کشور.

پیش از اعلام رسمی، نام محسن رضایی به‌عنوان جانشین محمدباقر ذوالقدر در فضای رسانه‌ای مطرح شد. گزارش‌ها و گمانه‌زنی‌ها بالا گرفت و حتی برخی رسانه‌ها مطالبی دراین‌باره منتشر و سپس حذف کردند. سرانجام ۱۸ مرداد انتصاب محسن رضایی به شورای عالی امنیت ملی و سپس دبیری او به‌طور رسمی اعلام شد. اصل مسئله این نیست که چرا دستگاه رسمی پیش از قطعی‌شدن حکم، آن را اعلام نکرده است. قاعدتاً نمی‌توان تصمیم نهایی‌نشده را به نام تصمیم قطعی منتشر کرد. اما میان «اعلام یک تصمیم قطعی‌نشده» و «راگردن کامل میدان برای گمانه‌زنی» فاصله زیادی وجود دارد. می‌توان گفت تغییراتی مطرح است، اما هنوز نهایی نشده؛ می‌توان روشن کرد چه بخش‌هایی از اخبار منتشرشده صحیح نیست؛ می‌توان حداقل زمان یا مرجع اعلام خبر نهایی را مشخص کرد. در غیاب همین چند جمله، روایت غیررسمی صاحب میدان می‌شود. بعد اگر همان خبر در نهایت رسمی شود، مخاطب یک نتیجه دیگر می‌گیرد: «دیدید خبر از اول درست بود». این برداشت هم برای دفعه بعد باقی می‌ماند.

چین: این بار، تکذیب سریع آمد، اما مسئله تمام نشد

برای منصفانه‌بودن این بررسی باید نمونه‌ای را هم دید که واکنش رسمی سریع بوده است. ۱۱ شهریور، حسین مرعشی در گفت‌وگویی ادعا کرد چین برای سفر محمدباقر قالیباف به پکن و ادامه همکاری با ایران شروطی مطرح کرده است؛ از بازگشایی تونل هرمز و دریافت‌نکردن عوارض از کشتی‌ها تا حل اختلاف مطرح با غربستان و آمریکا. این ادعا به‌سرعت در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی منتشر شد. همان روز دفتر نماینده ویژه ایران در امور چین واکنش نشان داد و اعلام کرد انتساب چنین شروطی به پکن و مشروط‌شدن سفری را توسعه روابط دو کشور «فاقد صحت» است. اینجا نمی‌توان گفت دستگاه رسمی چند روز سکوت کرده است؛ تکذیب سریع بود. اما همین مثال لایه دوم مسئله را آشکار می‌کند؛ اینکه بحران اطلاع‌رسانی فقط با «سرعت» حل نمی‌شود. اگر افکار عمومی در تجربه‌های قبلی آموخته باشد که بعضی اخبار ابتدا رد می‌شوند و بعد بخشی از آنها تحقق پیدا می‌کند، حتی یک تکذیب سریع و درست نیز ممکن است با این واکنش مواجه شود؛ «فعلاً تکذیب کرده‌اند». اینجا دیگر یاری چیزی مهم‌تر از مدیریت یک خبر در میان است؛ «اعتماد انباشته‌شده به منبع». اعتماد رسانه‌ای شبیه حسابی نیست که فقط در روز بحران بتوان از آن برداشت کرد؛ باید پیش از بحران ساخته شده باشد.

سلطانی فر: تکنولوژی را آوردم، فلسفه آن را نه

محمد سلطانی‌فر، استاد ارتباطات، ریشه این چرخه را عمیق‌تر از عملکرد یک روابط‌عمومی یا حتی یک دولت می‌بیند. او در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید مسئله به ساختار نظام رسانه‌ای ایران بازمی‌گردد؛ ساختاری که فناوری‌های مدرن ارتباطی را پذیرفته اما الزاماً فلسفه‌ای که بر آن از فرهنگی آورده‌ایم گرفته نشده و در روزهای سلطانی‌فر می‌گوید: «ما رسانه و فلسفه‌ها را بر آن از فرهنگی آورده‌ایم که مردم در آن حق دانستن دارند، حق سؤال‌کردن دارند و حق جست‌وجوی اطلاعات دارند. موبایل، تلویزیون، رادیو، ماهواره و بعد شبکه‌های اجتماعی را آوردیم، اما زیرساخت فکری و نهادی متناسب با آن ایجاد نکرده‌یم. به اعتقاد او، همین چا تضاد آغاز می‌شود. فناوری جدید اساساً بر گردش سریع اطلاعات استوار است؛ در مقابل، بخشی از ساختار اداری و سیاسی هنوز با نگاه سنتی‌تری به اطلاعات مواجه می‌شود؛ اطلاعاتی که باید نگه داشته شود، طبقه‌بندی شود و فقط در زمان مشخص مقام مسئول منتشر شود. اما شبکه اجتماعی منتظر تخصص مقام مسئول نمی‌ماند. سلطانی‌فر می‌گوید وقتی اطلاعات معتبر به‌موقع منتشر نشود، فضای خالی باقی نمی‌ماند: «تکنولوژی اطلاعات را بیرون می‌دهد، شایعه ساخته می‌شود، بستر ابهام ایجاد می‌شود، حرف درست و غلط و اخبار جعلی کنار هم قرار می‌گیرند». او این وضعیت را مواجهه «تکنولوژی پاسخ‌مدرن با مسئول سنتی» توصیف می‌کند؛ فناوری‌ای که دسترسی به اطلاعات را احق مخاطب می‌داند در کنار ساختاری که هنوز در بخش‌هایی از آن، مسئول الزام کافی برای پاسخ‌گویی احساس نمی‌کند.

آیا تکذیب کافی است؟

یکی از مهم‌ترین پرسش‌ها این است که وقتی خبر اولیه منتشر شد، آیا یک تکذیب رسمی می‌تواند همه‌چیز را به نقطه صفر برگرداند؟ پژوهش‌های حوزه روان‌شناسی اطلاعات نشان می‌دهد الزاماً چنین نیست. در ادبیات علمی از پدیده‌ای با عنوان اثر تداوم اطلاعات نادرست یاد می‌شود؛ یعنی اطلاعاتی که یک‌بار وارد ذهن شده‌اند ممکن است حتی پس از اصلاح، همچنان بر قضاوت و استدلال فرد اثر بگذارند. مرور پژوهش‌های منتشرشده در Nature Reviews Psychology نیز نشان می‌دهد اصلاح اطلاعات غلط معمولاً مؤثر است، اما اثر اولیه را لزوماً به‌طورکامل حذف نمی‌کند. به زبان ساده‌تر، نمی‌توان اجازه داد یک روایت ساعت‌ها یا روزها در ذهن جامعه جا بفتد و بعد انتظار داشت یک جمله «تکذیب می‌شود» تمام اثر آن را پاک کند. به‌خصوص وقتی تکذیب، توضیح جایگزینی هم ارائه نمی‌دهد. «خبر تکذیب است، یک خلا ایجاد می‌شود؛ مخاطب می‌پرسد اگر این روایت غلط است، پس روایت درست چیست؟ هرچه این سؤال بیشتر بی‌پاسخ بماند، امکان بازگشت همان شایعه بیشتر می‌شود.

مرجعیتی که از دست می‌رود

سلطانی‌فر نقطه اصلی بحران را «مرجعیت رسانه‌ای» می‌داند. او می‌گوید بخشی از رسانه‌های رسمی و حتی سخنگویان دستگاه‌ها دیگر برای بخشی از جامعه مرجع قطعی خبر نیستند؛ «گاهی یک مقام رسمی تکذیب می‌کند و مردم می‌گویند حالا که اینها گفته‌اند دروغ است، پس حتماً یک چیزی بوده، این همان از بین‌رفتن مرجعیت است». شاید تلخ‌ترین بخش



ماجرا همین باشد. وظیفه تکذیب باید کم‌کردن ابهام باشد. اگر خود تکذیب به نشانه‌ای برای بیشترشدن تردید تبدیل شود، بحران از سطح یک خبر عبور کرده است. مرجعیت هم ناگهانی از دست نمی‌رود. هر بار که یک مسئول به جای «در حال بررسی است» می‌گوید: «اصلاً چنین چیزی نیست» و چند روز بعد همان موضوع به مرحله تصمیم می‌رسد، بخشی از اعتبار هزینه می‌شود. هر بار که خبر مهمی ساعت‌ها میان منابع غیررسمی می‌چرخد و مقام مسئول هیچ توضیحی نمی‌دهد، سهم دیگری از همان سرمایه خرج می‌شود. بعد روزی می‌رسد که خبر واقعاً دروغ است و تکذیب هم کاملاً درست؛ اما مخاطب دیگر به‌سادگی باور نمی‌کند. سلطانی‌فر در ادامه گفت‌وگو با «شرق» میان شرایط عادی و جنگ تفاوت می‌گذارد. به گفته او، در دوران جنگ در همه کشورها بخشی از اطلاعات به دلایل امنیتی منتشر نمی‌شود و این محدودیت قابل درک است. اما از نگاه او، «نمی‌شود همیشه فضا را در حالت جنگی نگه داشت». وقتی شرایط بحرانی تمام می‌شود، پرسش‌های باقی‌مانده باید پاسخ داده شوند. پاسخ‌گویی هم فقط حضور در یک برنامه تلویزیونی یا گفت‌وگویی که چارچوب آن از قبل مشخص است، نیست. او از مسئولانی می‌گوید که باید خودشان را در معرض پرسش خبرنگاران قرار دهند؛ حتی پرسش‌هایی که از قبل نمی‌دانند چیست. سلطانی‌فر برای توضیح این مسئله به ایالات متحده اشاره می‌کند و می‌گوید با وجود انتقادهای جدی که شخصاً به دونالد ترامپ دارد، رئیس‌جمهور آمریکا تقریباً به‌طور مداوم با خبرنگاران مواجه می‌شود. البته او همان مدل افراطی را هم مطلوب نمی‌داند، حجم بیش از اندازه اظهارنظر می‌تواند خودش باعث تناقض و خطا شود. از نگاه او، مسئله نه سکوت کامل است و نه مصاحبه‌های بی‌وقفه؛ اصل، پذیرفتن پاسخ‌گویی است. «روزنامه‌نگار حق سؤال دارد، خبرنگار سؤال مردم را منتقل می‌کند و مردم حق دارند بدانند». سلطانی‌فر نقطه شروع اصلاح را بیش از رسانه‌ها، در رفتار مسئولان می‌بیند. به گفته او، رسانه ذاتاً مطالبه‌گر است و خبرنگار به دنبال پرسیدن است، اما برخی مسئولان هنوز نگاه مثبتی به قرارگرفتن در معرض سؤال رسانه‌ها ندارند. او می‌گوید در برخی ساختارها هنوز این توصیه شنیده می‌شود که «با فلان رسانه مصاحبه نکنید» یا «خودتان را در معرض فلان خبرنگار قرار ندهید»؛ گویی خبرنگار قرار است برای مدیر دردرس ایجاد کند، نه اینکه یکی از اجزای طبیعی گردش اطلاعات در جامعه باشند. سلطانی‌فر این مسئله را به انتقادناپذیری نیز پیوند می‌زند: «بخشی از مسئولان هنوز قبول ندارند که می‌توانند اشتباه کنند. در یک ساختار مدرن، مسئول می‌تواند اشتباه کند، باید بابت اشتباه توضیح بدهد، ممکن است لازم باشد عذرخواهی کند و حتی در مواردی مسئولیت سیاسی خطایش را بپذیرد». او معتقد است رسانه‌ها نیز نباید صرفاً تبدیل به محل رفت‌وبرگشت شایعه و تکذیب شوند. وقتی یک تغییر یا استیضاح خبری مطرح می‌شود، روزنامه باید بتواند مستقلاً بررسی کند که ماجرا چیست، عملکرد آن مقام چه بوده و واقعیت پشت خبر کجاست. مثالی که خودش می‌زند همین خبرهای مکرر درباره وزیر نفت است: «یک روز می‌گویند استعفا داده، فردایش تکذیب می‌شود و دوباره چند وقت بعد همان خبر برمی‌گردد».

مسئله فقط «دیر تکذیب‌کردن» نیست

شاید در پایان باید صورت سؤال را عوض کرد. مشکل اطلاع‌رسانی در ایران فقط این نیست که تکذیب‌ها دیر می‌رسد. در مابرای چین تکذیب همان روز منتشر شد. درباره بنزین، ممکن است موضع سخنگوی دولت در روزی که بیان شده کاملاً مطابق وضعیت همان روز بوده باشد و تصمیم چند روز بعد تغییر کرده باشد. در پرونده شورای عالی امنیت ملی، ممکن است تصمیم هنوز قطعی نبوده و امکان اعلام آن وجود نداشته باشد. درباره استعفای وزرا نیز بسیاری از خبرها می‌تواند اساساً شایعه باشد.

وجه مشترک کجاست؟

شاید مهم‌ترین وجه مشترک این باشد که جامعه در فاصله میان انتشار خبر و روشن شدن واقعیت، غالباً نمی‌داند دقیقاً چه اتفاقی در حال رخ‌دادن است. ساختار رسمی هنوز بیش از اندازه به دوگانه «تایید یا تکذیب» وابسته است؛ در حالی که میان این دو طیف بزرگی از پاسخ‌های دقیق وجود دارد: «موضوع در حال بررسی است»، «این بخش خبر درست است و این بخش درست نیست»، «هنوز تصمیم نهایی گرفته نشده»، «دیده‌هایم بررسی می‌شود»، «این فرد مرجع رسمی پاسخ‌گویی است»، «تصمیم نیست به هفته گذشته تغییر کرده و علت آن این است». همین جملات شاید ساده به نظر برسند، اما تفاوت بزرگی ایجاد می‌کنند. فرق است میان اینکه مردم احساس کنند یک تصمیم در جریان طبیعی سیاست‌گذاری تغییر کرده، یا تصور کنند ابتدا حقیقت از آنها پنهان شده و بعد زمانی که امکان پنهان‌کردنش وجود نداشته، اعلام شده است. در دوران شبکه‌های اجتماعی، هیچ دولت و نهادی دیگر انحصار خبر را از اختیار ندارد. نمی‌توان به بخش‌نامه جلوی شایعه را گرفت و نمی‌توان انتظار داشت خبرنگار، نماینده مجلس، فعال سیاسی یا کاربر شبکه اجتماعی تا صدور اطلاعیه رسمی سکوت کند. تنها راه رقابت با روایت غیررسمی، بستن مسیر اطلاعات نیست؛ ساختن یک مرجع رسمی سریع، دقیق، در دسترس و قابل اعتماد است. مردم بالاخره خواهند پرسید: «چه خبر است؟». مسئله این است که برای گرفتن جواب، اول سراغ چه کسی می‌روند. شاید تمام مسئله اطلاع‌رسانی ما در همین سؤال خلاصه شده باشد؛ روایت رسمی هنوز وجود دارد، اما همیشه روایت اول نادرست ندارد. و وقتی روایت دوم از راه می‌رسد، روایت اول لزوماً از ذهن مردم پاک نشده است.

اتحادیه اروپا، انگلیس، فرانسه و آلمان برای تصویب قطع‌نامه جدید، ادامه خواهد داشت. در ادامه کار، گروسی در حاشیه نشست فصلی شورای حکام نیز در گفت‌وگو با خبرنگاران درباره احتمال تصویب قطع‌نامه جدید علیه ایران موضعی محتاطانه اتخاذ کرد. او ابتدا تأکید کرد که «هنوز تصویب چنین قطع‌نامه‌ای قطعی نیست و نمی‌توان پیشاپیش نتیجه رای‌گیری را فرض کرد». مدیر کل آژانس گفت «اگر قطع‌نامه تصویب شود، آن سند بیانگر نظر شورای حکام و موضع جمعی اعضای شورا خواهد بود؛ موضعی که براساس آرای موافق و مخالف کشورهای عضو شکل می‌گیرد». به ادعای او، «پس از تصویب قطع‌نامه به تصمیم شورای حکام تبدیل می‌شود و این باید فارغ از محتوای آن، به فعالیت خود ادامه دهد». گروسی همچنین از ورود مستقیم به این بحث در تصویب قطع‌نامه می‌تواند به روند کار آژانس کمک کند یا مانع آن نشود، خودداری کرد و گفت «قطع‌نامه در صورت تصویب، صرفاً بخشی از شرایطی خواهد بود که آژانس با آن مواجه است و این نهاد باید وظایف خود را ادامه دهد». او در نهایت تصریح کرد که «ما کن با ایران، صرف‌نظر از قطع‌نامه، ادامه خواهد داشت» و تأکید کرد که مأموریتی در ایران دارد و باید به فعالیت خود ادامه دهد.

ایران در برابر هر اقدام «سنجیده» آمریکا و اروپا، تدابیر لازم را اتخاذ خواهد کرد

به دنبال احتمالات مطرح‌شده، اسماعیل باقائی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، در نشست خبری دیروز (دوشنبه) خبر تلاش آمریکا که سه کشور اروپایی، فرانسه، انگلیس و آلمان، برای تصویب قطع‌نامه در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

تلاش آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان برای تصویب قطع‌نامه جدید،

ادامه خواهد داشت. در ادامه کار، گروسی در حاشیه نشست فصلی

شورای حکام نیز در گفت‌وگو با خبرنگاران درباره احتمال تصویب

قطع‌نامه جدید علیه ایران موضعی محتاطانه اتخاذ کرد. او ابتدا

تأکید کرد که «هنوز تصویب چنین قطع‌نامه‌ای قطعی نیست و

نمی‌توان پیشاپیش نتیجه رای‌گیری را فرض کرد». مدیر کل آژانس

گفت «اگر قطع‌نامه تصویب شود، آن سند بیانگر نظر شورای حکام

و موضع جمعی اعضای شورا خواهد بود؛ موضعی که براساس

آرای موافق و مخالف کشورهای عضو شکل می‌گیرد». به ادعای او،

«پس از تصویب قطع‌نامه به تصمیم شورای حکام تبدیل می‌شود و

این باید فارغ از محتوای آن، به فعالیت خود ادامه دهد». گروسی

همچنین از ورود مستقیم به این بحث در تصویب قطع‌نامه می‌تواند

به روند کار آژانس کمک کند یا مانع آن نشود، خودداری کرد و گفت

«قطع‌نامه در صورت تصویب، صرفاً بخشی از شرایطی خواهد بود که

آژانس با آن مواجه است و این نهاد باید وظایف خود را ادامه دهد».

او در نهایت تصریح کرد که «ما کن با ایران، صرف‌نظر از قطع‌نامه،

ادامه خواهد داشت» و تأکید کرد که مأموریتی در ایران دارد و باید به

فعالیت خود ادامه دهد.

ایران در برابر هر اقدام «سنجیده» آمریکا و اروپا، تدابیر لازم را اتخاذ

خواهد کرد

به دنبال احتمالات مطرح‌شده، اسماعیل باقائی، سخنگوی

وزارت امور خارجه ایران، در نشست خبری دیروز (دوشنبه) خبر

تلاش آمریکا که سه کشور اروپایی، فرانسه، انگلیس و آلمان، برای

تصویب قطع‌نامه در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

ادامه از صفحه اول

ادامه از صفحه اول